

اعجاز قرآن

درس بیستم

استاد: حجت الاسلام و المسلمین صادق نیا

آموزشیار: سرکار خانم حیدری

آیت الله معرفت، دومین وجه از وجوه اعجاز بیانی را در آوردن سبک و شیوه جدید، می داند. وی در این بحث با بیان اعتراف بزرگان شعر و ادب عرب مبنی بر تفاوت شیوه قرآن با سبک رایج عرب، به تعریف قافیه و سجع نزد شاعران و کاهنان پرداخته و آنگاه در صدد توضیح این مطلب است که سبک قرآن با سبکها و وزنهای رایج در شعر عرب و سجع در نزد کاهنان متفاوت است و از این رهگذر به اثبات اعجاز بیانی قرآن در آوردن سبک و اسلوب جدید سخن، اشاره می کند.

شیوه و سبک جدید قرآن :

قرآن در معرفی آموزه‌های خود سبکی منحصر به فرد را ارائه کرده است که در هیچ یک از شیوه‌های سخنوری عرب نظیر آن وجود ندارد؛ این سبک نه شعر، نه نثر و نه سجع است و در عین حال امتیازات تمامی این انواع ادبی را در بر دارد. از روانی نثر، زیبایی شعر، فشردگی و استواری سجع برخوردار است؛ در حالی که هیچ کدام از این موارد نیست. عرب آن روزگار، خود به این مساله گواهی می‌داد، چنان که ولید بن مغیره می‌گفت: «در شگفتم از آنچه او می‌گوید؛ به خدا سوگند که سخن او نه شعر است و نه سحر و نه به یاوه‌های دیوانگان می‌ماند. گفته او سخن خدا است.» ولید در پاسخ کسی که گمان کرده بود قرآن شعر است، گفت: «کسی از شما از من به اشعار دانتر نیست. من رجز، قصیده و اشعار جن را از همه بهتر می‌شناسم. آنچه او می‌گوید به هیچ یک از اینها شبیه نیست». عتبه بن ربیع و انیس بن جناده که در شاعری توانا بودند نیز از این مساله در شگفت بودند که قرآن در هیچ یک از قالب‌های موجود نمی‌گنجد. آیت الله معرفت در توضیح این قسمت می‌افزاید: بی‌تردید قرآن نثری مانند نثر آنها نیست، از جهت لفظ، دارای بهترین آراسگی‌ها است، کلمه‌ها و جمله‌ها و ترکیب‌هایش با بهترین چینش در کنار هم قرار دارند. همچنین معانی‌ای را زنده کرد که فراموش و مهجور شده بودند. با معارف بلندی آمد که فلسفه وجود، راز هستی در مبدا و معاد را بیان کرد به طوری که قلب‌ها را روشن و اندیشه‌ها را خیره ساخت.

اسلوب قرآن از نگاه محمد عبدالله درّاز :

عبدالله درّاز بر این نظر است که اسلوب قرآن نه نرمی و انعطاف سخن شهرنشینان را دارد و نه خشونت سخن بادیه نشینان را. وزن مقطع‌ها در آن بیش از نثر و کمتر از شعر است. نثر آن نیز ویژگی‌های منحصر به فردی دارد. واژگان در آن گزینش شده‌اند و پیش پا افتاده و زشت نیستند، بلکه بلند مرتبه و زیبا هستند. جمله‌های آن به گونه‌ای ترکیب شده که در کمترین کلمات، معانی فراوان و گسترده‌ای قرار گرفته است. تعبیرها فشرده است اما وضوح آن حیرت‌زا است به گونه‌ای که کم سوادترین مردم به آسانی می‌تواند آن را بفهمد؛ در قرآن ژرفایی وجود دارد که این شایستگی را به آن بخشیده است که پایه و پیش زمینه علوم و ادبیات اسلامی و مذهب‌های فقهی و اعتقادی گردد.

قرآن شعر نیست :

در ادامه برای این که نشان دهیم قرآن شعر نیست باید به تعریفی از شعر و اجزاء آن یعنی قافیه و انواع آن و فاصله ارائی دهیم.

قرآن شعر نیست چون که شعر، کلامی است دارای وزن بوده و بر نظم خاصی استوار است و دارای قافیه‌ای خاص است. خلیل بن احمد، وزن‌های اصلی شعر عرب را در پنج دایره و پانزده بحر محدود ساخته و در پانزده وزن تقسیم کرده است و برای هر وزن، اصول و فروعی ذکر کرده است که در علم عروض به آن پرداخته می‌شود؛ با این حال قرآن را نمی‌توان در هیچ قالبی از این اوزان جا داد.

قافیه :

قافیه، قسمت تکرار شونده از کلمه‌هایی است که در نظم و شعر تکرار می‌شود، به شرط آن که قسمت تکرار شونده، جزئی از کلمه قافیه باشد و به آن الحاق نشده باشد. ضمناً اگر کل کلمه و نه جزئی از آن تکرار شود به آن ردیف و آخرین حرف اصلی قافیه را « رَوِی » می‌گویند. به عنوان مثال در کلمات جام، وام، دام، نام و آرام، حرف « م » روی است. خلیل بن احمد، قافیه را این گونه تعریف کرده است: از آخرین حرف در بیت تا به نخستین حرکتی که پیش از حروف ساکن کلمه باشد. مثل (تابا) در این شعر: «أَقْلَى اللّٰوْمَ عَاذِلَ وَالْعَتَابَا » پس لازم است که قصیده در همه ابیاتش به همین شکل ادامه یابد.

انواع قافیه :

انواع قافیه به اعتبار تقطیع پنج گونه است : مترادف: ترادف در لغت به معنی پیاپی شدن است و آن قافیه ای است که دو حرف، ساکن پیاپی باشد. متدارک: تدارک در لغت به معنی دریافتن است و آن قافیه ای است که دو حرف متحرک و یک حرف ساکن باشد. متکافوس: در لغت به معنی انبوهی، است و در اصطلاح، قافیه‌ای است که چهار حرف، متحرک و یک حرف آخر ساکن باشد. متواتر: تواتر در لغت به معنی پیاپی شدن است و آن متحرکی است که در دو طرفش حرف

ساکن باشد. **متراکب:** متراکب در لغت به معنی برهم نشستن است و آن قافیه‌ای است با سه حرف متحرک و ساکنی در آخر باشد.

فاصله :

قرآن، «روی» را در فواصل آیه به کار بسته، ولی به شرایط قافیه ملتزم نبوده. قرآن میان سجع و قافیه شعر، به سجوی استوار نزدیک‌تر است. از این‌روست که واژه فاصله را به دلیل تفاوتی که با قافیه‌ی اصطلاحی دارد، برای قرآن به کار برده‌اند. در قرآن چیزی از جمله‌ها و ترکیب‌های کلامی بر وزن‌های شعری، نه در اصول و نه در فروع وجود ندارد. بنابراین قرآن شعر نیست. «وَمَا عَلَّمْنَاهُ الشُّعْرَ وَمَا يَنْبَغِي لَهُ إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ وَقُرْآنٌ مُبِينٌ»^۱ همچنین سخن فصیحان عرب نیز بر این نکته تاکید داشت که قرآن ویژگی شعر را ندارد.

سجع

سجع، بر شیوه بلاغی خاصی اطلاق می‌شود که در آن فصل‌هایی کوتاه که دارای کلمات قافیه دار است، به کار می‌رود. با این وجود، به یک وزن و قافیه واحد، پای‌بند نیست. شاید سجع، اولین اسلوبی است که عرب از آن خوشش می‌آمد برای همین، بسیاری از کاهنان در دوران جاهلیت، از این سبک استفاده می‌کردند. مشهور است که در سرزمین عربستان گروه بزرگی از کاهنان بودند که حکایت‌هایی شبیه به خرافات بازگو می‌کردند. آنان زبان خاصی داشتند که با ابهام و پیچیدگی همراه و به سجع کاهنان مشهور بود. استفاده از سجع، تنها مخصوص کاهنان نبود، بلکه کاربرد آن در میان بلیغان و خطیبان نیز رایج بود؛ تا خطابه و پندشان در دلها بنشیند و ماندگار بماند. همچنین قاضیان نیز در صدور حکم برای مسائل جزایی و حقوقی از عبارات دارای سجع که شبیه مصراع یا بیت بود، استفاده می‌کردند؛ تا به این وسیله ثبت و حفظ گردد. همچنین در میان نویسندگان و خطیبان اسلامی، سجع شایع بود تا آن‌جا که خطیب و نویسنده مسلمانی را نمی‌توان یافت که از

^۱. یس/ ۶۹

سجع استفاده نکرده باشد. برای مثال در کلام و نامه ها و خطبه های علی (ع) سجعی متین وجود دارد که خالی از تکلف سجع گویان عرب است.^۱

سجع در قرآن :

ابن سنان خفاجی، در کتاب «سر الفصاحه»، پس از رد سخن رمّانی و باقلانی که سجع را عیب می دانستند، می گوید: اگر سجع به این صورت باشد که لفظ تابع معنی شود، عین بلاغت است و فواصل هم همین حالت را دارد، و اگر سجع به این صورت باشد که معنی تابع لفظ باشد یعنی جمله با تکلف همراه شود، عیب شمرده می شود.^۲

آیت الله معرفت نیز در این باره می گوید: بهترین نوع سجع در قرآن کریم، به ویژه در سوره های کوتاه مکی وارد شده که دارای طنینی است که همه روح انسان را تسخیر می کند. یادآوری می کنم که سجع، زینت سخن است، زمانی که گویاست و در آن پیچیدگی وجود ندارد، در این صورت روان، آسان و معنا دار است. با این توصیفی که بیان شد، سجع زیباست و در قرآن وجود دارد. همه قرآن زیبا و با هر زیبایی متناسب است.

مثال : در سوره طه که آخر آیات با الف ختم می شود، از موسی و هارون به صورت «هارون و موسی» نام برده می شود: «قالوا آمنا بربّ هارون وموسى» (طه / ۷۰) ولی در سوره شعراء که آخر آیات با نون ختم می شود، موسی قبل از هارون می آید: «قالوا آمنا برب العالمین. رب موسی و هارون» (شعراء / ۴۷-۴۸).

^۱ . به کار بردن سجع در عبارت است، به این صورت که آخر دو یا چند جمله از نظر حرف روی یکسان باشد، همان گونه که همسانی آخر شعرها را قافیه می گویند. این صنعت بیشتر در نثر به کار می رود، هر چند در شعر نیز در اوایل و اواسط آن به کار برده می شود و آن هنر مضاعفی است. در قرآن مجید صنعت تسجیع، فراوان به کار رفته و آخر آیات معمولاً دارای سجع است، ولی اصطلاحاً به سجع قرآن، فاصله گفته می شود. بعضی از اشاعره گفته اند که در قرآن سجع نیست و آن را ناپسند می دانند. سیوطی، الاتقان فی علوم القرآن، مکتبة العصریة، بیروت، ۱۴۰۸ ق، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، ج ۳، ص ۲۹۲.

^۲ . خفاجی، سرّ الفصاحه، مکتبة الخانجی، قاهره، ۱۳۵۰ ق، ص ۱۷۴.

چکیده :

۱. نو بودن سبک قرآن، مساله‌ای است که بزرگان و شاعران عرب به آن اعتراف کرده‌اند. سبک قرآن، نه مانند سبک شاعران، نه کاهنان و نه پریشان‌گویی دیوانگان بود.
۲. اسلوب جدید قرآن علاوه بر ظاهر زیبا، از نظر معنا و محتوا نیز تازه، درخشان و خیره‌کننده بود و به نظر عبدالله دراز، اسلوب قرآن نه همانند کلام بادیه‌نشینان و نه همانند اسلوب شهرنشینان است.
۳. شعر کلامی دارای وزن و قافیه و نظم است.
۴. وزن‌های اصلی شعر عرب، توسط بزرگان علم‌ع‌روض گردآوری و مشخص شده است. همچنین پنج نوع قافیه را در شعر عرب، شناسایی کرده‌اند.
۵. به آخرین حرف اصلی قافیه، روی می‌گویند. مثل «م» در کلمات «جام، دام، کام، بام، و ...».
۶. برای تفاوت نهادن بین فواصل آیات قرآن با قافیه اصطلاحی در شعر، فاصله را برای قرآن به کار می‌برند.
۷. قرآن در آیاتش به قافیه ملتزم نیست، اما روی، در فواصل آیات وجود دارد.
۸. استفاده از سجع در جاهلیت شیوه رایجی بود و کاهنان، قاضیان، ادیبان و خطیبان از آن در راستای اهداف خود استفاده می‌کردند.
۹. سبک قرآن، به سجع نزدیک‌تر است تا به شعر.
۱۰. آیت الله معرفت، وجود سجعی که دور از ابهام و دارای معنا و زیبایی است، را در قرآن می‌پذیرد.